

دیدگاه جامعه کتابداری و اطلاع‌رسانی در خصوص تغییر در محتوا، آموزش و عنوان رشته

محمد حسن زاده (نویسنده مسئول)

استادیار گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه تربیت مدرس
hasanzadeh@modares.ac.ir

زینب غیوری

کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه تربیت مدرس
somayeghauri@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۴/۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۸/۱۰

چکیده

هدف: این پژوهش به دنبال بررسی دیدگاه جامعه کتابداری و اطلاع‌رسانی در خصوص تغییر در سه حوزه عنوان، محتوا و آموزش این رشته بوده و درصدد بررسی این مسئله مبنایی است که تغییر در حوزه‌های مختلف کتابداری و اطلاع‌رسانی از دیدگاه متخصصان و کارکنان و دانشجویان این رشته چه ابعاد و گستره‌ای را در بر می‌گیرد و اولویت تغییرات از نظر آنها می‌بایست به چه صورت باشد و آیا توافقی بین جامعه کتابداری و اطلاع‌رسانی در خصوص این تغییرات وجود دارد یا خیر.

روش: پژوهش حاضر از نوع کاربردی است و بنا به ماهیت موضوع، اهداف پژوهش و سؤالات، از پیمایش بهره گرفته شده است. در این پژوهش، نظرات ۲۷۵ نفر از اعضای جامعه حرفه‌ای (هیأت علمی، دانشجو و کتابدار) گردآوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. برای آزمودن پرسش‌های پژوهش از آزمون‌های آماری فریدمن، کروسکال والیس و تحلیل واریانس استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج آزمون فریدمن نشان داد که اولویت تغییر در بین جامعه کتابداری و اطلاع‌رسانی به ترتیب عبارت از تغییر در عنوان، محتوا و سپس آموزش است. همچنین آزمون کروسکال والیس و تحلیل واریانس نشان داد که سه گروه جامعه مخاطب نسبت به تغییر در حوزه محتوا و آموزش نظر یکسانی دارند ولی نسبت به عنوان رشته نظر یکسانی ندارند.

اصالت/ارزش: تاکنون بحث‌های مربوط به تغییر در حوزه‌های مختلف کتابداری و اطلاع‌رسانی به صورت نظرات شخصی و بحث‌هایی بوده است که در اظهارنظرهای افراد مورد توجه قرار گرفته و یا تنها نظرات بخشی از جامعه این رشته منعکس شده است. در این تحقیق با مراجعه به نظرات سه گروه از اعضای جامعه حرفه‌ای کتابداری و اطلاع‌رسانی، اولویت مورد نظر آنها برای تغییر در عنوان، محتوا و آموزش رشته مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: کتابداری و اطلاع‌رسانی، نظرسنجی، محتوای دروس، سرفصل دروس، عنوان رشته

تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی

فصلنامه علمی - پژوهشی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، (شایا): ۷۸۳۸-۱۰۲۷ نمایه شده در ISC

دوره ۱۶، شماره ۳، پیاپی ۶۲، پانز ۱۳۸۹ از صفحه ۵۹ تا صفحه ۸۵

مقدمه

به دنبال تغییر در آموزش عالی که یکی از اهداف آن رشد سریع دانش و پیشرفت فن آوری بوده است، تغییراتی در ساختار و عناصر زیر شاخه‌های آن که رشته‌های گوناگون را شامل می‌شود به وجود آمد (وزیری، ۱۳۸۷) که این تغییرات بر رشته‌های دانشگاهی از جمله رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی نیز تأثیر گذار بوده است. یکی از رویکردهای علم کتابداری و اطلاع‌رسانی که مورد تغییر واقع شده است، نحوه پاسخ به نیازهای جامعه و نیز تحولات آن بوده است که این کار معمولاً از طریق بازنگری در برنامه‌های آموزشی (گرایش‌ها، محتوا، و سرفصل درس‌ها) رخ می‌دهد اما این اعتقاد وجود دارد که چنین روندی در ایران بسیار دیر و کند مورد توجه قرار گرفته است (دیانی، ۱۳۸۵). در طول پنجاه سال اخیر، رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی تغییرات، تضادها، و تناقضات زیادی را پشت سر گذاشته و برای مواجهه با چنین تحولاتی خواهان بازنگری و تغییر در محتوای دروس و نظام آموزشی رشته است (فتاحی، ۱۳۸۷). در صورت ایجاد تغییرات مناسب، رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی خواهد توانست رسالت خود را در تربیت کتابدارانی با توانایی رویارویی با حجم عظیمی از اطلاعات و طیف وسیعی از نیازها و خواسته‌ها به انجام رساند (جمالی، ۱۳۸۵) و نیروی انسانی شاغل در کتابخانه‌ها از لحاظ کمی و کیفی پاسخگوی نیازهای مراجعان خواهند بود. این امر در شرایط کنونی تنها زمانی به صورت مؤثر اتفاق می‌افتد که نظام آموزشی، کتابدارانی متخصص و ماهر برای بهره‌رسانی به جامعه اطلاعات-محور کنونی تربیت کند.

در طول چهار دهه آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی در سطح آموزش عالی در ایران، این رشته به لحاظ کمی و کیفی شاهد تحولات زیاد و مسائل و مشکلات گوناگونی بوده است. غلبه فن آوری‌های جدید بر محیط‌های اطلاعاتی و اقبال فزاینده جامعه به رفع نیاز اطلاعاتی خود از محیط‌های غیر از کتابخانه (عموماً اینترنت) سؤال‌های اساسی در ذهن کتابداران و مدرسان کتابداری ایجاد کرده است. پاسخ به این پرسش‌ها در گرو بازنگری در آموزش رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی، محتوای دروس موجود و تغییر در عنوان و نظایر آن می‌باشد (فتاحی، ۱۳۸۷).

برخی معتقدند که برنامه‌های آموزشی و شیوه‌های تدریس علم کتابداری و اطلاع‌رسانی در ایران از زیربنای محکم و مبتنی بر نظریه‌های نوین آموزشی برخوردار نیست (تهوری، ۱۳۸۵). عدم استقلال کامل گروه‌های کتابداری در برنامه‌ریزی‌ها و سازماندهی فعالیت‌ها (گروه‌ها استقلال

کامل ندارند. هر چند پس از تصویب قوانینی در وزارت علوم، حدود ۲۰ درصد اختیارات به گروه‌ها واگذار شده ولی با این همه، هنوز گروه‌ها کاملاً مستقل نیستند و در صورت رسیدن به استقلال کامل نیز مشکلات دیگری از جمله مشکلاتی در زمینه پذیرش دانشجویان در مقاطع مختلف رخ خواهد داد که با این وجود، شاید با توجه به ساختار آموزش عالی ایران حالت نیمه‌متمرکز در این زمینه مؤثرتر باشد)، همچنین ایستایی برنامه درسی رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی، همخوان نبودن شیوه‌های آموزشی کنونی با محیط کار، نبود رابطه سازمان‌یافته بین گروه‌های آموزشی از یک طرف و بازار کار از طرف دیگر، و نیز رویکرد سنتی و غیر روزآمد برنامه درسی از دیگر مشکلات نظام آموزشی رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی است (بیگدلی، ۱۳۸۲). به علاوه، این اعتقاد وجود دارد که عنوان رشته نیز با فعالیت‌ها و قابلیت‌های گسترده متخصصان و دانش‌آموختگان آن متناسب نیست و عنوان رشته فقط محمل اطلاعات را که زیرمجموعه این رشته جامع است، بازنمایی می‌کند. همچنین عنوان فعلی رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی به محدودیت کارایی متخصصان این رشته منجر شده است (حسن زاده، ۱۳۸۷). با بررسی این مشکلات و نحوه انعکاس آن در متون و محمل‌های ارتباطی مرتبط با رشته، می‌توان به این نتیجه رسید که تغییر در رشته ضروری است و این نارضایتی‌ها و گلایه‌ها، شاخصی است بر لزوم تغییر. بنابراین به عنوان یکی از مؤلفه‌های تغییر در تدوین برنامه جدید لازم است به محتواهای اندیشیده شود که آموزش آن بتواند دانش و مهارت مدیریت اطلاعات در عصر تغییرات را ایجاد کند (فتاحی، ۱۳۸۷) و به همان نسبت با انتخاب عنوانی مناسب و جامع برای رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی، می‌توان به انتظارات معقول‌تری از فعالیت متخصصان این رشته در بازار کار دست یافت و با اصلاح آن به نامی درخور، می‌توان بازار کار فارغ‌التحصیلان این رشته را افزایش داد. با توجه به آنچه که مطرح شد، تحقیق حاضر به دنبال بررسی این مسأله مبنایی است که تغییر در حوزه‌های مختلف کتابداری و اطلاع‌رسانی از دیدگاه متخصصان و کارکنان و دانشجویان این رشته چه ابعاد و گستره‌ای را در بر می‌گیرد و اولویت تغییرات بین عنوان، محتوا، و آموزش باید به چه ترتیبی باشد و درون حوزه‌های محتوا و آموزش چه تغییرات و با چه اولویتی می‌بایست اتفاق بیافتد و آیا توافقی بین جامعه کتابداری و اطلاع‌رسانی در خصوص این تغییرات وجود دارد یا خیر.

پرسش‌های اساسی

۱. اولویت تغییر بین حوزه‌های عنوان، محتوا، و آموزش از دیدگاه کتابداران به چه صورت است؟
۲. اولویت تغییر درون حوزه‌های محتوا و آموزش از دیدگاه کتابداران به چه صورت است؟
۳. اولویت تغییر بین حوزه‌های عنوان، محتوا، و آموزش از دیدگاه دانشجویان به چه صورت است؟
۴. اولویت تغییر درون حوزه‌های محتوا، آموزش از دیدگاه دانشجویان به چه صورت است؟
۵. اولویت تغییر بین حوزه‌های عنوان، محتوا، و آموزش از دیدگاه اعضای هیأت علمی چگونه است؟
۶. اولویت تغییر درون حوزه‌های محتوا و آموزش از دیدگاه اعضای هیأت علمی چگونه است؟
۷. نحوه اولویت‌گذاری تغییر در بین حوزه‌های عنوان، محتوا و آموزش از دیدگاه جامعه مخاطب (اعضای هیأت علمی، کتابداران، و دانشجویان) در کل به چه صورت است؟
۸. نحوه اولویت‌گذاری تغییر در درون حوزه‌های مختلف (محتوا و آموزش) از دیدگاه جامعه مخاطب (اعضای هیأت علمی، کتابداران، و دانشجویان) در کل به چه صورت است؟
۹. آیا همه گروه‌های مختلف جامعه کتابداری و اطلاع‌رسانی نسبت به نحوه تغییرات نظر یکسانی دارند؟

اهداف پژوهش

۱. بررسی دیدگاه جامعه کتابداری و اطلاع‌رسانی (کتابداران، دانشجویان و اعضای هیأت علمی) در خصوص ابعاد و گستره تغییرات در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی؛
۲. بررسی میزان توافق اقشار مختلف جامعه کتابداری در خصوص تغییرات؛
۳. شناسایی حوزه‌هایی که تغییرات باید در آنها اتفاق بیافتد؛
۴. تعیین اولویت تغییرات از دیدگاه جامعه کتابداری و اطلاع‌رسانی.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر بنا به ماهیت موضوع، اهداف پژوهش و سؤالات آن از پیمایش بهره گرفته شده است. همچنین، برای گردآوری اطلاعات و به‌منظور بررسی دیدگاه جامعه کتابداری و اطلاع‌رسانی در خصوص تغییر در رشته از پرسشنامه استفاده شد. پرسشنامه در سه مقوله محتوا،

آموزش و عنوان رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی تنظیم شد. برای هر کدام از مقوله‌ها تعدادی پرسش بسته و در انتهای هر حوزه یک سوال باز مطرح شد. جامعه پژوهش حاضر کتابداران شاغل در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی، دانشجویان و اعضای هیأت علمی رشته بودند. برای اینکه چارچوب مشخصی برای انتخاب نمونه در دست باشد، اعضای گروه بحث الکترونیکی علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه فردوسی مشهد انتخاب گردید. با اخذ فهرست اعضا از مدیر گروه بحث، مشخص شد که کل جامعه آماری ۵۷۲ نفر شامل ۱۲۲ نفر دانشجوی کتابداری و اطلاع‌رسانی در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری، ۹۸ نفر اعضای هیأت علمی و ۳۵۲ نفر کتابدار شاغل در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی بودند که در کل، طبق جدول کرجسی و مورگان به صورت تصادفی تعداد ۳۷۰ نفر به عنوان جامعه نمونه انتخاب و پرسشنامه به آنها ارسال گردید و ۲۷۴ پرسشنامه عودت داده شد (از این میان، ۱۸۳ نفر دانشجو (با توجه به دسترس پذیری دانشجویان، آنها تعداد بیشتری از آنچه مقرر شده بود پرسشنامه تکمیل کردند)، ۶۱ نفر کتابدار و ۳۰ نفر هیأت علمی بوده است). از این تعداد ۱۰۴ نفر مرد و ۱۷۰ نفر زن بودند. پس از تکمیل و عودت پرسشنامه‌ها برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از آزمون آماری SPSS استفاده گردید.

پیشینه

در خصوص وضعیت رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی و مشکلات آن، نوشتارهای مختلفی از طرف صاحب‌نظران ارائه شده و هر کدام راهکارها و تدابیری را پیشنهاد کرده‌اند. با توجه به آنچه که در متون و منابع منعکس شده، در این قسمت پیشینه‌های تحقیق در دو قسمت آمده است؛ قسمت اول به نوشتارهای برآمده از پژوهش در داخل و خارج اشاره دارد و قسمت دوم، به ارائه نوشتارهایی اختصاص یافته که به صورت اعلام‌نظر از سوی صاحب‌نظران در مجلات و جراید انعکاس پیدا کرده است.

به نظر می‌رسد موضوع تغییر در محتوای دروس و عنوان رشته از سال‌های دور نیز به عنوان یک مسأله مورد توجه بوده است. در تحقیق مزینانی (۱۳۷۷) مشخص شد که پاسخ دهندگان، کاستی‌های آموزش را در نامناسب بودن روش تدریس و کمبود امکانات و تجهیزات آموزشی می‌دانستند. همچنین جعفرنژاد (۱۳۷۹) به این نتیجه دست یافت که دانش‌آموختگان کتابداری و اطلاع‌رسانی برای انجام وظایف تخصصی خود در محیط‌های جدید که کاربرد فن‌آوری اطلاعات

در آنها متداول است (عصر اطلاعات)، آمادگی لازم را پیدا نکرده و فاقد مهارت و دانش کافی در ایفای نقش خود هستند. دیانی (۱۳۷۹) اظهار داشت که در نتیجه تأثیر فن آوری اطلاعات، بازنگری و تغییر در محتوای رشته ضروری است. فتاحی (۱۳۷۹) به این نتیجه دست یافت که بازنگری و تجدید ساختار آموزش‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی به دلیل ماهیت میان‌رشته‌ای رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی و افزایش تحولات در رشته‌های دیگر ضروری است. بیگدلی و آبام (۱۳۸۲) در خصوص عنوان کنونی رشته به این نتیجه دست یافتند که ۸۶/۹۶ درصد از دانشجویان رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی اعتقاد کامل به تغییر نام این رشته دارند و فقط ۱۳/۰۴ درصد به این تغییر بی‌اعتقاد بوده‌اند. این ارقام نشان می‌دهد که دانشجویان کتابداری و اطلاع‌رسانی معتقدند که نام این رشته با ماهیت آن همخوانی ندارد و نشان‌دهنده فلسفه وجودی خدمات و وظایف این رشته نیست و این نکته از طرف سایر دانشجویان کتابداری و اطلاع‌رسانی نیز بارها مورد تأکید قرار گرفته و یکی از علل بی‌علاقگی و نارضایتی آنان نسبت به این رشته تحصیلی دانسته شده است. بهشتی (۱۳۸۳) در تحقیق خود با عنوان «برنامه‌های درسی مطالعات اطلاع‌رسانی» با مطالعه برنامه درسی ایالات متحده و کانادا به این مطلب اشاره دارد که عنوان درسی‌ای که بیشترین تکرار را در برنامه درسی جامعه مورد مطالعه دارا است، «فن آوری اطلاعات» بوده که مبین تغییر در برنامه‌های آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی در مقایسه با چند سال گذشته است. دستمالچی (۱۳۸۳) معتقد است که هماهنگی لازم بین آموزش، احتیاجات شغلی و نیازهای متغیر آموزشی وجود ندارد و آموزش تأمین‌کننده قابلیت‌های لازم در کتابداران کتابخانه‌های تخصصی نیست و برنامه‌های آموزشی منحصرأ به تربیت کتابدار در سطح کلی و عمومی می‌پردازد. حسن‌زاده (۱۳۸۳) در تحقیقی با عنوان «نقش کتابداران و اطلاع‌رسانان در مدیریت دانش سازمان‌ها» به اهمیت آگاهی از مهارت‌های مدیریت دانش برای کتابداران اشاره کرده و اظهار داشته که در هیچ کدام از دوره‌های سه‌گانه، به مفهوم مدیریت دانش به صراحت توجه نشده است. بنابراین اگر با رویکرد مدیریت دانش به دوره‌های آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی توجه شود، باید در سرفصل مقاطع سه‌گانه تغییراتی اعمال گردد.

دانگ زیوینگ^۱ (۱۹۹۶) در مطالعه‌ای با عنوان «تغییر آموزش علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی در ژاپن: مشکلات و چشم‌اندازها» اشاره کرده است که رشد صنعت اطلاعات و توسعه بازار کار،

1. Dong Xiaoying

انگیزه‌ای برای گروه‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی بوده تا اهداف، برنامه درسی، و ساختار دانش خود را در جهت برآوردن نیازهای اجتماعی تعدیل کنند. او با بررسی ۱۷ گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی در چین، تغییرات محیط اجتماعی در دهه ۱۹۹۰ و چالش‌هایی که این تغییرات برای افراد حرفه به وجود آورده و پاسخ‌هایی که از طرف گروه‌های کتابداری به این تغییرات شده را بررسی کرده است.

چاو^۱ (۲۰۰۱) در مطالعه‌ای با عنوان «تغییر نام مدارس کتابداری در چین و تأثیرات آن» اظهار داشته که در نیمه ۱۹۸۰ نام مدارس کتابداری از علوم کتابداری به کتابداری و اطلاع‌رسانی و در دهه‌های اخیر به مدیریت اطلاعات تغییر یافته و دلایل این تغییر را شرایط اجتماعی و حرفه‌ای و تأثیری که تغییر نام بر برنامه آموزشی کتابداری و اطلاع‌رسانی می‌تواند داشته باشد (شامل تغییر در اهداف آموزشی، نظام برنامه درسی، صلاحیت‌های اساتید و شرایط بازار) دانسته است.

به علاوه، نتایج تغییر نام در چین نشان داد که فارغ‌التحصیلان فرصت بیشتر و جایگزین‌های زیادی برای پیدا کردن کار به دست آوردند. قبل از تغییر نام ۹۰ درصد دانشجویان در کتابخانه‌ها مشغول به کار بودند در حالیکه بعد از دهه ۱۹۹۰، ۸ درصد در کتابخانه‌ها به کار مشغول شدند. این امر به دلیل عدم نیاز به فارغ‌التحصیلان در کتابخانه نبود، بلکه فارغ‌التحصیلان حقوق و مزایا و وضعیت اجتماعی کار در کتابخانه را پایین می‌دانستند و اعتقاد داشتند محیط کار چالش‌برانگیز نیست و از نامناسب بودن محیط کتابخانه برای کار شکایت داشتند. همچنین، مؤلف اظهار داشته که تغییر نام بدون تغییر در اهداف آموزشی و نظام برنامه درسی مفید نخواهد بود و همانند این است که در بطری جدید محتوای قدیمی ریخته شود.

یک بررسی^۳ (۲۰۰۷) توسط (Gathegi) که در دانشگاه کنیا با هدف بازنگری در برنامه درسی علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی انجام شد و طی آن، برنامه ۱۰ گروه مختلف آموزشی کتابداری و اطلاع‌رسانی توسط این دانشگاه مورد بررسی قرار گرفت. دلایل گروه‌ها برای تغییر و استقبال آنها از تغییر، به دلیل نارضایتی دانشجویان از برنامه درسی جاری، توسعه فن آوری، برآوردن نیازهای قرن ۲۱، نیازهای اطلاعاتی موجود در جامعه، و نیازهای جامعه شبکه‌ای اعلام شده است. این تجزیه

1. Jingli Chu
2. The Renaming of library schools in China and the effects
3. Creating a needs-responsive LIS curriculum in a developing country:
A case study from Kenya

و تحلیل نشان داد که برنامه درسی قبلی به شدت منسوخ و مطابق نیازهای جامعه کنونی نبوده است و برای توجیه تغییر در برنامه درسی اعلام شده، توسعه فن آوری و توسعه در دیگر عرصه‌های حرفه‌ای مطرح گردید. همچنین در برنامه جدید، نیازهای بازار کار و شرایط اقتصادی و اهمیت اطلاعات مطمح نظر قرار گرفت.

نتایج تحقیق حاضری^۱ (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان «یکپارچگی مدیریت دانش با علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی: برخی چشم‌اندازهای حرفه‌ای^۲» نشان داد که برنامه کنونی کتابداری و اطلاع‌رسانی پوشش کافی روی موضوعات مدیریت دانش ندارد و تحقیق نشان داد که برنامه کنونی فارغ‌التحصیلان را برای محیط مدیریت دانش تربیت نمی‌کند و ارتباط کمی بین برنامه کنونی رشته و موضوعات مدیریت دانش دارد. به علاوه، آمار نشان داد که در جامعه کتابداری و اطلاع‌رسانی علاقه زیادی به گسترش برنامه کنونی برای پوشش دادن موضوعات مدیریت دانش وجود دارد و دانشجویان علاقه‌مند به مباحث مدیریت دانش در همه اشکال آن، همزمان با تأکید روی ابعاد عملی مدیریت دانش، در برنامه درسی می‌باشند.

علاوه بر آنچه که در قسمت مربوط به نتایج یافته‌های پژوهشی اشاره شد، دیدگاه‌های مختلفی نیز در خصوص تغییر در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی در جراید و نشریات به صورت اعلام نظر منعکس شده است که می‌توان به فدایی (۱۳۸۶) و حسن‌زاده (۱۳۸۷) اشاره کرد. فدایی در خصوص مشکلات عنوان رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی معتقد است که عنوان کنونی دارای مسائلی است که نیاز به بررسی و تجزیه و تحلیل بیشتری دارد. از جمله القاء شدن مفهوم ایستا به ذهن با نام کتابداری و اطلاع‌رسانی، نبودن جایگاه مشخص و معتبر برای این رشته، فقدان مبانی نظری و نظایر آن. حسن‌زاده نیز بر این باور است که عنوان فعلی رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی به محدودیت کارایی متخصصان این رشته منجر شده است.

مرور پیشینه‌ها و ادبیات کتابداری و اطلاع‌رسانی نشان می‌دهد که بیشتر صاحب‌نظران و افرادی که مورد پژوهش قرار گرفته‌اند، سرفصل‌های آموزشی، محتوای دروس، و عنوان فعلی رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی در ایران را نامناسب و ناهماهنگ با تحولات جاری و نیازهای جامعه (یعنی مراجعان به کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی که به کتابداران آموزش دیده نیاز دارند)

1. Afsaneh Hazeri

2. Integration of Knowledge Management with Library and information science



می‌دانند و همگی خواستار بازنگری در آن هستند. از سوی دیگر تجربیات جهانی در این زمینه نشان‌دهنده تغییر و تحولات فزاینده و نقش مثبت آن در روند حرفه‌ای کتابداری و اطلاع‌رسانی است.

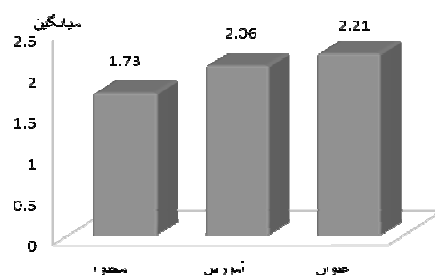
یافته‌ها

در این بخش، به ارائه یافته‌ها در قالب پرسش‌های مطرح شده در پژوهش حاضر می‌پردازیم. پرسش اول این است که اولویت تغییر در بین حوزه‌های مختلف (عنوان، محتوا، آموزش) از دیدگاه کتابداران به چه صورت می‌باشد. برای پی‌بردن به اولویت تغییر در بین کتابداران در بین حوزه‌های عنوان، محتوا، و آموزش، پرسش‌ها در یک طیف لیکرتی ۵ گزینه‌ای از بسیار کم تا بسیار زیاد مطرح شد و به هر یک از آنها به ترتیب از یک تا ۵ نمره داده شد (به‌طوریکه بسیار کم نمره یک و بسیار زیاد نمره ۵ گرفت) و سپس، مجموع نمرات به‌دست آمده در حوزه محتوا، آموزش و عنوان بر تعداد سؤال‌های هر حوزه تقسیم شد تا طیف نمرات برای مؤلفه‌های مختلف یکسان شده و میانگین رتبه به‌دست آید. بر این اساس، هر یک از حوزه‌های عنوان، محتوا، و آموزش که میانگین رتبه کمتری داشته باشد، نشان‌دهنده این است که نمره کم و بسیار کم بیشتری دریافت کرده و در اولویت تغییر است. برای مقایسه معنی‌داری تفاوت میانگین‌ها از آزمون فریدمن استفاده شد. جدول ۱ نتایج آزمون و نمودار ۱ نتایج مربوطه را نشان می‌دهد:

جدول ۱. نتایج آزمون فریدمن در خصوص معنی‌داری تفاوت دیدگاه کتابداران در حوزه‌های عنوان، محتوا و آموزش

حوزه	میانگین رتبه	تعداد	مجذور کا	df	p
محتوا	۱.۷۳	۶۱	۷.۷۰۷	۲	۰.۲۱
آموزش	۲.۰۶				
عنوان	۲.۲۱				

همان‌گونه که نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد، میانگین رتبه محتوا ۱/۷۳، میانگین رتبه حوزه آموزش ۲/۰۶ و میانگین رتبه حوزه عنوان ۲/۲۱ می‌باشد. نتایج آزمون فریدمن نشان می‌دهد که تفاوت میانگین‌ها از نظر آماری معنادار نیست ($p=0/21$) و این امر نشان می‌دهد که از نظر کتابداران، هر سه حوزه همزمان نیاز به تغییر و بازنگری دارد.



نمودار ۱. میانگین رتبه از دیدگاه کتابداران در بین حوزه‌های سه گانه

با این وجود، برای بررسی اینکه به لحاظ آماری اولویت‌بندی حوزه‌های عنوان، محتوا و آموزش از نظر کتابداران جهت تغییر و بازنگری در آنها به چه صورت است، از آزمون تحلیل واریانس استفاده گردید که در جدول ۲ و ۳ ارائه شده است:

جدول ۲. نتایج آزمون تحلیل واریانس در خصوص اولویت تغییر در حوزه‌های سه گانه از دیدگاه کتابداران

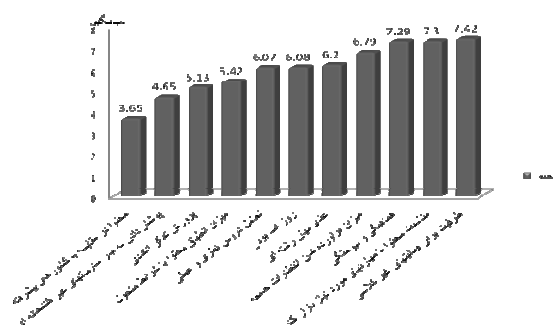
دیدگاه کتابداران	جمع مجزورات	df	میانگین مجذور	F	p
کتابداران	۶/۴۳۲	۲	۳/۲۱۶	۱۲/۵۰۱	۰/۰۰
	۳۷/۳۰۴	۲۷۳	۰/۲۵۷		
بین گروهی					
درون گروهی					

با توجه به اطلاعات جدول ۲، از آنجایی که مقدار p به دست آمده کوچک‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد، می‌توان استنباط کرد که علیرغم عدم تفاوت معنی‌دار بین میانگین رتبه‌ها (با توجه به آزمون فریدمن)، کتابداران میان سه حوزه عنوان، محتوا، و آموزش به لحاظ آماری اولویت قائل هستند. برای بررسی دقیق این اولویت‌ها از آزمون تعقیبی دانکن استفاده شد که در جدول شماره ۳ ارائه شده است:

جدول ۳. نتایج آزمون دانکن در خصوص اولویت تغییر در حوزه‌های سه گانه از دیدگاه کتابداران

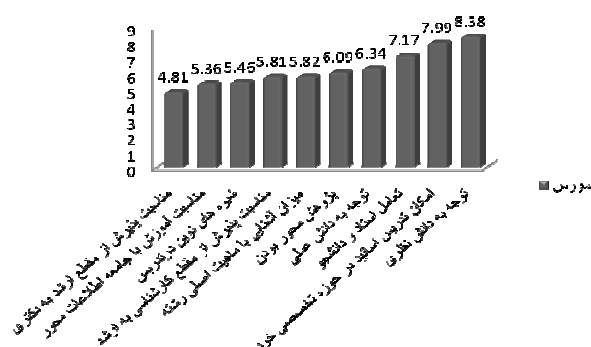
حوزه‌های تغییر از دیدگاه کتابداران			گروه‌بندی براساس آلفای ۰/۰۵
۱	۲	۳	
۲/۴۷	۲/۷۵	۲/۹۸	محتوا
			آموزش
			عنوان
p			۰/۰۰

با توجه به مقدار p به دست آمده ($p < 0.05$)، می‌توان به این نتیجه دست یافت که از دیدگاه کتابداران ابتدا باید حوزه محتوا، سپس آموزش، و در نهایت عنوان رشته مورد بازنگری و تغییر قرار گیرد. پرسش دوم تحقیق مربوط به این امر است که اولویت تغییر درون حوزه‌های محتوا و آموزش از دیدگاه کتابداران به چه صورت می‌باشد. نمودارهای ۲ و ۳ یافته‌های مربوطه را نشان می‌دهند:



نمودار ۲. میانگین رتبه از دیدگاه کتابداران در درون محتوا

بر اساس نمودار ۲، کتابداران وضعیت محتوای کنونی را در مقایسه با کشورهای پیشرفته، ضعیف دانسته و معتقدند که محتوای دروس کیفیت قابل قبولی ندارد و کمترین میانگین رتبه (3.65) مربوط به این مورد است که نشان می‌دهد از دیدگاه کتابداران این مورد در اولویت اول برای تغییر می‌باشد. زیرمجموعه‌های دیگر، در اولویت‌های بعدی قرار گرفتند. بخش دیگر پرسش دوم به دیدگاه کتابداران در خصوص اولویت تغییر درون حوزه آموزش می‌پردازد. پاسخ این بخش در نمودار ۳ ارائه شده است:



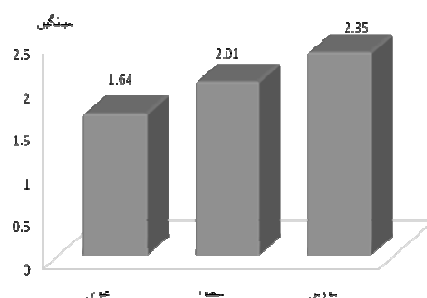
نمودار ۳. میانگین رتبه از دیدگاه کتابداران در درون آموزش

بر اساس نمودار ۳، کتابداران فرایند پذیرش دانشجو از مقطع کارشناسی ارشد به مقطع دکتری در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی را مناسب ندانسته و کمترین میانگین رتبه (۴.۸۱) را به این حوزه اختصاص دادند. همچنین، آموزش کنونی را با نیازهای یک جامعه دانش-محور مناسب ندانستند. در مقابل، آموزش دانش نظری را نسبتاً مناسب ارزیابی کردند که در اولویت آخر تغییر از دیدگاه کتابداران قرار گرفت.

پرسش سوم پژوهش به این مسأله می‌پردازد که اولویت تغییر در بین حوزه‌های عنوان، محتوا، و آموزش از دیدگاه دانشجویان به چه صورت است. جدول ۴ و نمودار ۴ یافته‌های مربوط به آزمون فریدمن را در خصوص معنی‌داری تفاوت دیدگاه دانشجویان بین حوزه‌های عنوان، محتوا و آموزش نشان می‌دهند:

جدول ۴. نتایج آزمون فریدمن در خصوص معنی‌داری تفاوت دیدگاه دانشجویان در حوزه‌های عنوان، محتوا و آموزش

حوزه	میانگین رتبه	تعداد	مجذور کا	Df	p
عنوان	۱.۶۴	۱۸۳	۴۶.۷۶۸	۲	۰.۰۰
محتوا	۲.۰۱				
آموزش	۲.۳۵				



نمودار ۴. میانگین رتبه از دیدگاه دانشجویان در بین حوزه‌های سه گانه

با توجه به نتایج جدول ۲ میانگین رتبه به‌دست آمده برای عنوان (۱.۶۴)، برای محتوا (۲.۰۱)، و برای آموزش (۲.۳۵) است. نتایج آزمون فریدمن نشان می‌دهد که تفاوت این میانگین‌ها معنی‌دار است ($P < 0/05$) و میانگین رتبه کمتر، اولویت تغییر را نشان می‌دهد.

با این وجود، برای بررسی اینکه به لحاظ آماری اولویت‌بندی حوزه‌های عنوان، محتوا و آموزش از نظر دانشجویان جهت تغییر و بازنگری در آنها به چه صورت است، از آزمون تحلیل واریانس استفاده گردید. جداول ۵ و ۶ یافته‌های مربوطه را نشان می‌دهند:

جدول ۵. نتایج آزمون تحلیل واریانس در خصوص اولویت تغییر در حوزه‌های سه گانه از دیدگاه دانشجویان

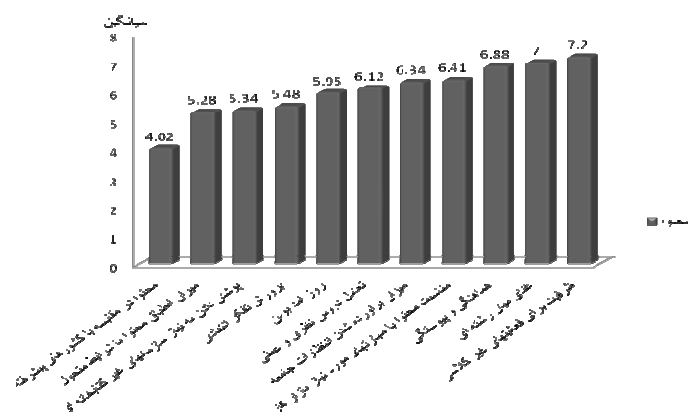
دیدگاه دانشجویان		جمع مجذورات	df	میانگین مجذور	F	P
دانشجویان	بین گروهی	۲۶/۲۵۱	۲	۱۳/۱۲۵	۴۶/۹۰۶	۰/۰۰
	درون گروهی	۱۲۹/۸۳۸	۲۷۳	۰/۲۸۰		

با توجه به داده‌های جدول ۵ از آنجایی که مقدار p به دست آمده (۰/۰۰) کوچک‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد، در نتیجه در تأیید آزمون فریدمن مبنی بر تفاوت معنی‌دار میانگین نظرات دانشجویان درباره سه حوزه عنوان، محتوا و آموزش، دانشجویان میان سه حوزه یاد شده به لحاظ آماری اولویت قائل هستند. برای بررسی دقیق این تفاوت و تعیین اولویت‌ها از آزمون تعقیبی دانکن استفاده شد که در جدول شماره ۶ ارائه شده است:

جدول ۶. نتایج آزمون دانکن در خصوص اولویت تغییر در حوزه‌های سه گانه از دیدگاه دانشجویان

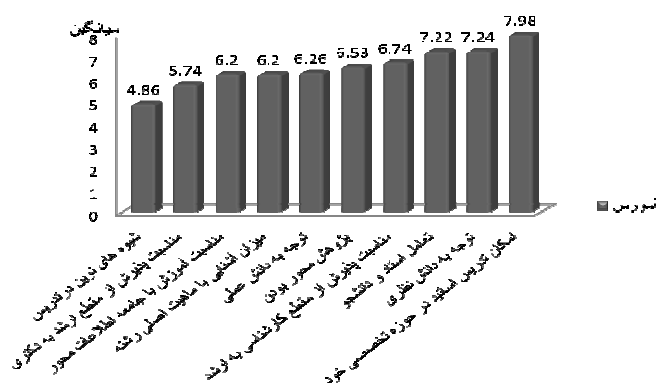
حوزه‌های تغییر از دیدگاه دانشجو			گروه‌بندی براساس آلفای ۰/۰۵		
			۱	۲	۳
محتوا آموزش عنوان			۲/۴۶	۲/۸۴	۳/۰۱
مقدار p			۰/۰۰		

نتایج آزمون دانکن ($P < 0.05$) نیز علاوه بر صحنه گذاشتن بر یافته‌های آزمون تحلیل واریانس، اولویت تغییر را از نظر دانشجویان نشان می‌دهد. بر این اساس، آزمون نشان می‌دهد که از نظر دانشجویان ابتدا عنوان، سپس محتوا، و در نهایت آموزش در اولویت تغییر قرار دارند. پرسش چهارم پژوهش به این امر می‌پردازد که اولویت تغییر درون حوزه‌های محتوا و آموزش از دیدگاه دانشجویان به چه صورت است. نمودارهای ۵ و ۶ یافته‌های مربوطه را نشان می‌دهند:



نمودار ۵. میانگین رتبه از دیدگاه دانشجویان در درون محتوا

بر اساس نمودار ۵، از نظر دانشجویان محتوای دروس رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی در مقایسه با کشورهای پیشرفته از سطح قابل قبولی برخوردار نیست و از نظر آنها در اولویت اول تغییر قرار دارد (میانگین رتبه ۴.۰۲). در مقابل، دانشجویان محتوای درسی رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی را در زمینه‌سازی برای فعالیت‌های غیرکلاسی مناسب دانستند و بالاترین رتبه (۷/۲۰) را به این مورد اختصاص دادند.



نمودار ۶. میانگین رتبه از دیدگاه دانشجویان در درون آموزش

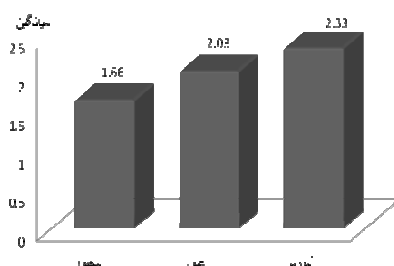
نمودار ۶ نشان می‌دهد که از دیدگاه دانشجویان، آموزش‌های رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی از شیوه‌های نوین در تدریس کمتر بهره گرفته است و در اولویت اول برای تغییر قرار دارد (میانگین رتبه ۴/۸۶). در مقابل، دانشجویان با اختصاص بالاترین رتبه (۷/۹۸) تأکید کردند که

شیوه آموزشی حاضر این امکان را به وجود می‌آورد که اساتید در حوزه تخصصی خودشان تدریس نمایند و در واقع آن را در اولویت آخر برای تغییر قرار دادند.

پرسش پنجم تحقیق به این مسأله می‌پردازد که اولویت تغییر در بین حوزه‌های عنوان، محتوا و آموزش از دیدگاه اعضای هیأت علمی چگونه است. جدول ۷ و نمودار ۷ یافته‌های مربوط به آزمون فریدمن را در خصوص معنی‌داری تفاوت دیدگاه اعضای هیأت علمی بین حوزه‌های عنوان، محتوا و آموزش نشان می‌دهند:

جدول ۷. نتایج آزمون فریدمن در خصوص معنی‌داری تفاوت دیدگاه اعضای هیأت علمی در حوزه‌های عنوان، محتوا و آموزش

حوزه	میانگین رتبه	تعداد	مجذور کا	df	p
محتوا	۱.۶۶	۳۰	۶.۶۳۸	۲	۰.۰۴۱
عنوان	۲.۰۳				
آموزش	۲.۳۱				



نمودار ۷. اولویت تغییر در حوزه‌های سه گانه از دیدگاه اعضای هیأت علمی

اطلاعات مندرج در جدول ۷ نشان می‌دهد که میانگین رتبه برای حوزه محتوا (۱/۶۶)، حوزه عنوان (۲/۰۳) و آموزش (۲/۳۳) محاسبه شد. نتایج آزمون فریدمن ($P < 0/05$) نشان می‌دهد تفاوت معنی‌داری بین نظریات اعضای هیأت علمی وجود دارد.

با این وجود، برای بررسی اینکه به لحاظ آماری اولویت‌بندی حوزه‌های عنوان، محتوا و آموزش از نظر اعضای هیأت علمی جهت تغییر و بازنگری در آنها به چه صورت است، از آزمون تحلیل واریانس استفاده گردید. جداول ۸ و ۹ یافته‌های مربوطه را نشان می‌دهند:

جدول ۸. نتایج آزمون تحلیل واریانس در خصوص اولویت تغییر در حوزه‌های سه‌گانه از دیدگاه اعضای هیأت علمی

دیدگاه اعضای هیأت علمی	جمع مجزورات	df	میانگین مجذور	F	p
هیأت علمی	بین‌گروهی	۷/۱۹۳	۳/۵۹۷	۱۴/۲۰۶	۰/۰۰
	درون‌گروهی	۱۸/۲۳۰	۰/۲۵۳		

داده‌های جدول ۸ نشان می‌دهد که از آنجایی که مقدار p به دست آمده (۰/۰۰) کوچک‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد، در تأیید آزمون فریدمن در این خصوص، اعضای هیأت علمی میان سه حوزه یاد شده به لحاظ آماری اولویت قائل هستند. برای بررسی دقیق این تفاوت و تعیین اولویت‌ها از آزمون تعقیبی دانکن استفاده شد که در جدول شماره ۹ ارائه شده است:

جدول ۹. نتایج آزمون دانکن در خصوص اولویت تغییر در حوزه‌های سه‌گانه از دیدگاه اعضای هیأت علمی

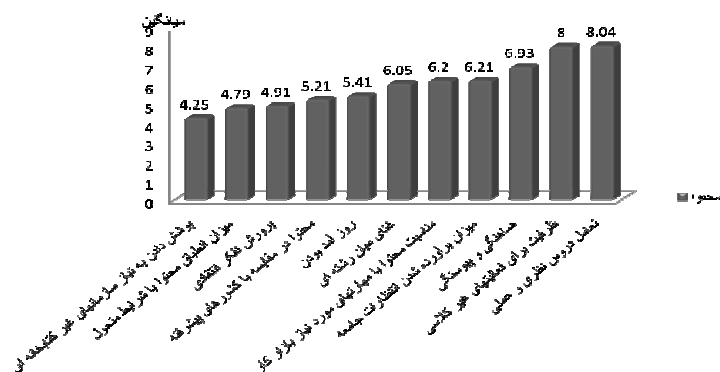
گروه‌بندی براساس ۰/۰۵		حوزه‌های تغییر از دیدگاه هیأت علمی	
۲	۱		
۲/۸۱ ۲/۹۷	۲/۲۶	محتوا	p
		آموزش	
		عنوان	
۰/۰۰			

نتایج آزمون دانکن ($p < 0.05$) نیز علاوه بر صحه گذاشتن بر یافته‌های آزمون تحلیل واریانس، اولویت تغییر را از نظر اعضای هیأت علمی نشان می‌دهد. بر این اساس، آزمون نشان می‌دهد که از نظر اعضای هیأت علمی ابتدا محتوا، سپس آموزش، و در نهایت عنوان در اولویت تغییر قرار دارند.

پرسش ششم پژوهش به این مسأله می‌پردازد که اولویت تغییر در درون حوزه‌های محتوا و آموزش از دیدگاه اعضای هیأت علمی چگونه است. جدول ۱۰ و نمودار ۸ یافته‌های مربوط به آزمون اولویت تغییر در درون حوزه محتوا از دیدگاه اعضای هیأت علمی را نشان می‌دهند:

جدول ۱۰. نتایج آزمون فریدمن در مورد دیدگاه اعضای هیأت علمی در خصوص اولویت تغییر در درون حوزه محتوا

شاخص آماری	میانگین رتبه	تعداد	مجدورکا	df	p
میزان برآورده شدن انتظارات جامعه	۶.۲۱	۳۰	۵۵۸۱۰	۱۰	۰.۰۰۰
میزان انطباق با شرایط متحول	۴.۷۹				
مناسبت محتوا با مهارت‌های مورد نیاز بازار کار	۶.۲۰				
روزآمد بودن	۵.۴۱				
غنای میان رشته‌ای	۶.۰۵				
پوشش دادن به نیاز سازمان‌های غیر کتابخانه‌ای	۴.۲۵				
محتوا در مقایسه با کشورهای پیشرفته	۵.۲۱				
تعامل دروس نظری و عملی	۸.۰۴				
هماهنگی و پیوستگی	۶.۹۳				
ظرفیت برای فعالیت‌های غیر کلاسی	۸.۰۰				
پرورش تفکر انتقادی	۴.۹۱				



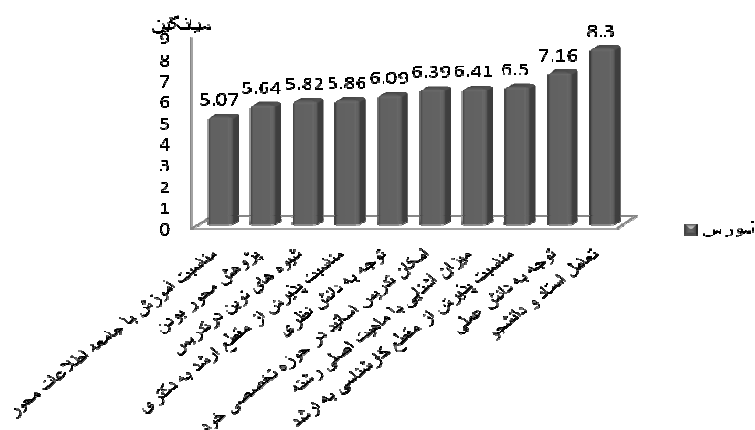
نمودار ۸ میانگین رتبه از دیدگاه اعضای هیأت علمی در درون محتوا

با توجه به نتایج نمودار ۸ می‌توان ملاحظه کرد که از دیدگاه اعضای هیأت علمی، محتوای دروس جابگویی نیاز سازمان‌های غیر کتابخانه‌ای نیست و در اولویت اول برای تغییر قرار دارد (میانگین رتبه ۴.۲۵). همچنین، اعضای هیأت علمی به رعایت شدن تعادل میان دروس نظری و عملی معتقد بوده و بالاترین رتبه (۸.۰۴) را به این مورد اختصاص دادند.

در بخش دوم از سؤال ۶، اولویت تغییر در درون حوزه آموزش از دیدگاه اعضای هیأت علمی مورد بررسی قرار گرفت که در این مورد نیز از آزمون فریدمن استفاده گردید. جدول ۱۱ و نمودار ۹ یافته‌های مربوط به آزمون اولویت تغییر در درون حوزه آموزش را از دیدگاه اعضای هیأت علمی را نشان می‌دهد:

جدول ۱۱. نتایج آزمون فریدمن برای بررسی دیدگاه اعضای هیأت علمی در خصوص اولویت تغییر در درون حوزه آموزش

حوزه آموزش	میانگین رتبه	تعداد	مجذور کا	p
شیوه‌های نوین در تدریس	۵.۸۲	۳۰	۵۲.۹۴۶	۰.۰۰۰
تعامل استاد و دانشجو	۸.۳۰			
مناسبت آموزش با جامعه اطلاعات-محور	۵.۰۷			
پژوهش محور بودن	۵.۶۴			
توجه به دانش نظری	۶.۰۹			
توجه به دانش عملی	۷.۱۶			
میزان آشنایی با ماهیت اصلی رشته	۶.۴۱			
مناسبت پذیرش از مقطع کارشناسی به ارشد	۶.۵۰			
مناسبت پذیرش از مقطع ارشد به دکتری	۵.۸۶			
امکان تدریس اساتید در حوزه تخصصی خود	۶.۳۹			



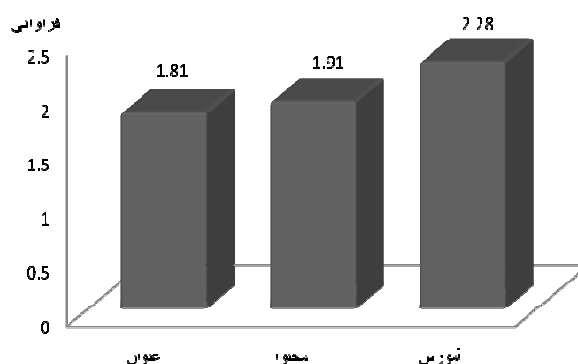
نمودار ۹. میانگین رتبه از دیدگاه اعضای هیأت علمی در درون حوزه آموزش

با توجه به اطلاعات مندرج در نمودار ۹، ملاحظه می‌شود که مناسبت آموزش با نیازهای جامعه اطلاعات-محور، و همچنین پژوهش-محور بودن آموزش از دیدگاه اعضای هیأت علمی به ترتیب اولویت‌های اول و دوم را برای تغییر دارا هستند. همچنین، کمترین میانگین رتبه (۵/۰۷) به این مورد از حوزه آموزش اختصاص یافته است.

پرسش هفتم به این امر می‌پردازد که نحوه اولویت‌گذاری تغییر در بین حوزه‌های عنوان، محتوا و آموزش از دیدگاه جامعه مخاطب (اعضای هیأت علمی، کتابداران و دانشجویان) در کل به چه صورت است. جدول ۱۲ و نمودار ۱۰ یافته‌های مربوط به آزمون فریدمن را در خصوص معنی‌داری تفاوت دیدگاه کل جامعه مورد بررسی بین حوزه‌های عنوان، محتوا و آموزش نشان می‌دهد:

جدول ۱۲. نتایج آزمون فریدمن در مورد دیدگاه جامعه مخاطب در خصوص اولویت تغییر در بین حوزه‌های سه گانه

حوزه	میانگین رتبه	تعداد	مجدورکا	df	p
عنوان	۱.۸۱	۲۷۴	۳۴.۶۰۳	۲	۰.۰۰
محتوا	۱.۹۱				
آموزش	۲.۲۸				



نمودار ۱۰. میانگین رتبه جامعه مخاطب در کل در بین حوزه‌های سه گانه

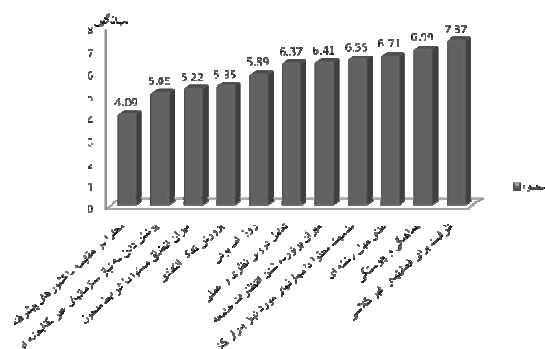
همان‌گونه که در جدول و نمودار فوق مشاهده می‌شود حوزه عنوان میانگین رتبه (۱.۸۱)، حوزه محتوا میانگین رتبه (۱.۹۱)، و حوزه آموزش میانگین رتبه (۲.۲۸) را به خود اختصاص داده است. نتایج آزمون فریدمن ($P < 0/05$) نشان می‌دهد که تفاوت بین رتبه‌های سه مقوله عنوان، محتوا و آموزش به لحاظ آماری معنی‌دار است و نمی‌تواند حاصل تصادف یا خطای دیگر باشد. بنابراین می‌توان استنباط کرد که در کل، جامعه کتابداری تغییر عنوان رشته را در اولویت اول، تغییر در محتوای رشته را در اولویت دوم و تغییر شیوه آموزش و سرفصل‌های دروس را در اولویت سوم قرار می‌دهند.

پرسش هشتم در مورد این مسأله است که نحوه اولویت‌گذاری تغییر در درون حوزه‌های محتوا و آموزش از دیدگاه جامعه مخاطب (عضای هیأت علمی، کتابداران و دانشجویان) در کل به چه صورت است. برای آزمودن این سؤال از آزمون فریدمن استفاده شد. نتایج به دست آمده در جدول ۱۳ و نمودار ۱۱ ارائه شده است:

جدول ۱۳. نتایج آزمون فریدمن برای بررسی دیدگاه جامعه مخاطب در کل نسبت به تغییر در درون حوزه محتوا

حوزه محتوا	میانگین رتبه	تعداد	مجذور کا	df	p
میزان برآورده شدن انتظارات جامعه	۶.۴۱	۲۷۴	۲۵۲.۰۴۰	۱۰	۰.۰۰۰
میزان انطباق با شرایط متحول	۵.۲۲				
مناسبت محتوا با مهارت‌های مورد نیاز بازار کار	۶.۵۵				
روزآمد بودن	۵.۸۹				
غنای میان‌رشته‌ای	۶.۷۱				
پوشش دادن به نیاز سازمان‌های غیر کتابخانه‌ای	۵.۰۵				
محتوا در مقایسه با کشورهای پیشرفته	۴.۰۹				
تعامل دروس نظری و عملی	۶.۳۷				
هماهنگی و پیوستگی	۶.۹۹				
ظرفیت برای فعالیت‌های غیر کلاسی	۷.۳۷				
پرورش تفکر انتقادی	۵.۳۵				



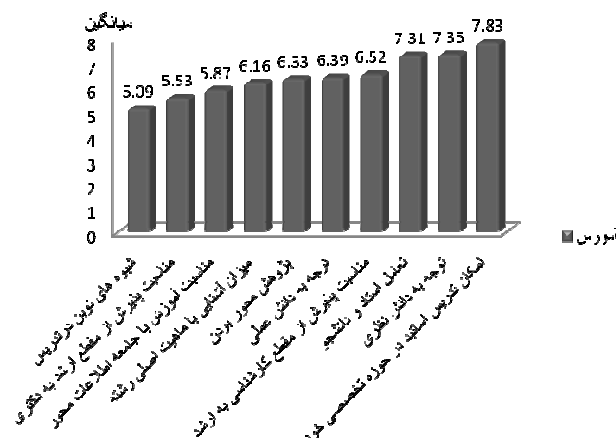


نمودار ۱۱. میانگین رتبه جامعه مخاطب در درون محتوا

بر اساس نمودار ۱۱ و میانگین رتبه‌های به دست آمده، ملاحظه می‌شود که از دیدگاه جامعه مخاطب در کل، محتوا و سرفصل کنونی دروس رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی در مقایسه با کشورهای پیشرفته از سطح کیفی قابل قبولی برخوردار نیست و کمترین میزان رتبه (۴/۰۹) به این مورد اختصاص یافته و در اولویت اول برای تغییر قرار دارد. سایر مقوله‌ها به ترتیب مندرج در نمودار ۱۱ در اولویت‌های بعدی قرار گرفتند. در بخش دوم سؤال ۸، اولویت تغییر در درون حوزه آموزش از دیدگاه جامعه مخاطب در کل، با استفاده از آزمون فریدمن بررسی شد. نتایج به دست آمده در جدول ۱۴ و نمودار ۱۲ ارائه شده است:

جدول ۱۴. نتایج آزمون فریدمن برای بررسی دیدگاه جامعه مخاطب در کل نسبت به تغییر در درون حوزه آموزش

حوزه	میانگین رتبه	تعداد	مجدور کا	df	p
شیوه‌های نوین در تدریس	۵.۰۹	۲۷۴	۳۳۳.۲۴۷	۹	۰.۰۰
تعامل استاد و دانشجو	۷.۳۱				
مناسبت آموزش با جامعه اطلاعات-محور	۵.۸۷				
پژوهش محور بودن	۶.۳۳				
توجه به دانش نظری	۷.۳۵				
توجه به دانش عملی	۶.۳۹				
میزان آشنایی با ماهیت اصلی رشته	۶.۱۶				
مناسبت پذیرش از مقطع کارشناسی به ارشد	۶.۵۲				
مناسبت پذیرش از مقطع ارشد به دکتری	۵.۵۳				
امکان تدریس اساتید در حوزه تخصصی خود	۷.۸۳				



نمودار ۱۲. میانگین رتبه جامعه مخاطب در درون آموزش

اطلاعات نمودار ۱۲ نشان می‌دهد که از دیدگاه کل جامعه مخاطب، در شیوه آموزشی کنونی رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی از شیوه‌های نوین در تدریس بهره گرفته نمی‌شود و در اولویت اول برای تغییر قرار دارد (میانگین رتبه (۵/۰۹)). سایر مقوله‌ها به ترتیب مندرج در نمودار ۱۱ در اولویت‌های بعدی قرار گرفتند.

پرسش نهم تحقیق راجع به این مسأله است که آیا همه گروه‌های مختلف جامعه کتابداری و اطلاع‌رسانی نسبت به نحوه تغییرات نظر یکسانی دارند. برای پاسخ به این سؤال قبل از این که از آزمون F (تحلیل واریانس یک طرفه) استفاده شود، فرض نرمال بودن توزیع نمرات از طریق آزمون کالموگروف اسمیرنوف یک نمونه‌ای بررسی گردید و نتایج نشان داد که در حوزه محتوا و عنوان در گروه‌های توزیع نمرات، نرمال نیست ولی در حوزه آموزش توزیع نرمال است. بنابراین در مواردی که توزیع نرمال نبود از آزمون ناپارامتریک کروسکال واریس استفاده شد. در جدول‌های ۱۵ تا ۱۷ یافته‌های مربوط به این آزمون‌ها ارائه شده است.

جدول ۱۵. نتایج آزمون کروسکال واریس برای بررسی دیدگاه جامعه کتابداری نسبت به محتوا

متغیر	سطح	میانگین رتبه	مجذور کا	df	p
محتوا	دانشجو	۱۴۴	۳.۴۵۸	۲	۰.۱۷۷
	کتابدار	۱۳۲.۴۰			
	هیأت علمی	۱۱۶.۴۸			

براساس جدول ۱۵ میانگین نمرات در مورد اولویت تغییر در حوزه محتوا از دیدگاه دانشجویان ۱۴۴، برای کتابداران ۱۳۲.۴۰ و برای اعضای هیأت علمی ۱۱۶.۴۸ می‌باشد و از آنجایی که مقدار p بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است، می‌توان گفت که تفاوت معنی‌داری بین میانگین‌های سه گروه جامعه مخاطب (دانشجو، کتابدار و اعضای هیأت علمی) از نظر نمره محتوا وجود ندارد و جامعه مخاطب نسبت به تغییر در حوزه محتوا نظر یکسانی دارند.

جدول ۱۶. نتایج آزمون تحلیل واریانس برای بررسی دیدگاه جامعه کتابداری نسبت به آموزش

متغیر مستقل	تعداد	میانگین مجذورات	انحراف معیار	F	df	p
دانشجو	۱۸۳	۲۵.۸۳	۵.۷۸	۰.۹۳۳	بین گروهی	۰.۳۹۵
کتابدار	۶۱	۲۴.۷۰	۵.۳۲		درون گروهی	
هیأت علمی	۳۰	۲۵.۶۵	۵.۳۴		۲	

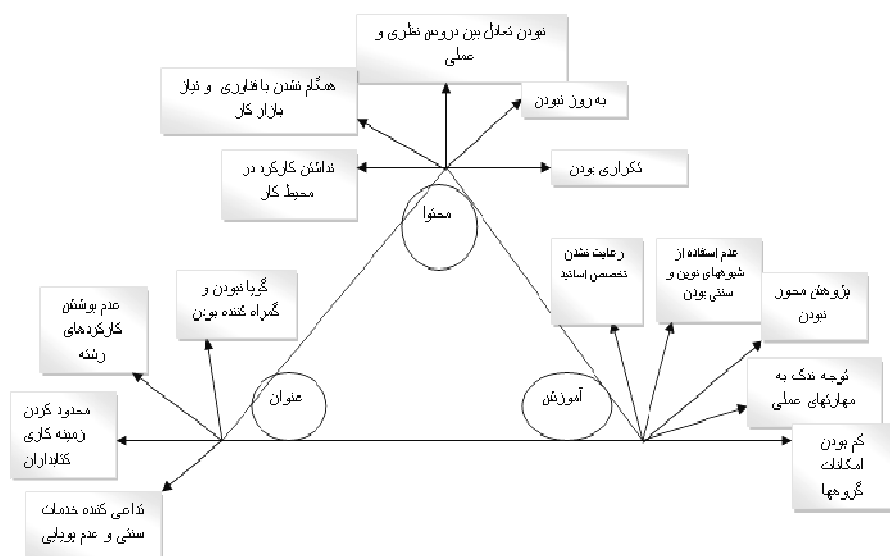
همان‌گونه که جدول ۱۶ نشان می‌دهد، مقدار p بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین تفاوت معنی‌داری بین میانگین‌های سه گروه جامعه مخاطب (دانشجو، کتابدار و اعضای هیأت علمی) از نظر نمره آموزش وجود ندارد و جامعه مخاطب نسبت به تغییر در حوزه آموزش نظر یکسانی دارند.

جدول ۱۷. نتایج آزمون کروسکال‌والیس برای بررسی دیدگاه جامعه کتابداری نسبت به عنوان

متغیر مستقل	سطح	میانگین رتبه	مجذور کا	df	p
عنوان	دانشجو	۱۲۳.۸۶	۱۹.۸	۲	۰.۰۰۰
	کتابدار	۱۷۳.۴۶			
	هیأت علمی	۱۵۷.۱۶			

اطلاعات ارائه شده نشان می‌دهد که میانگین نمرات در مورد اولویت تغییر در حوزه عنوان از دیدگاه دانشجویان ۱۲۳.۸۶، از دیدگاه اعضای هیأت علمی ۱۵۷.۱۶، و از دیدگاه کتابداران ۱۷۳.۴۶ می‌باشد. براساس نتایج جدول ۱۷ می‌توان ملاحظه نمود که مقدار p به‌دست آمده کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. در نتیجه بین گروه‌های مختلف (دانشجو، کتابدار، هیأت علمی) در خصوص تغییر در حوزه عنوان تفاوت معنی‌داری وجود دارد و جامعه مخاطب نسبت به تغییر در حوزه عنوان نظر یکسانی ندارند. لازم به توضیح است که در بین گروه‌های مورد مطالعه، دانشجویان عنوان را در اولویت اول برای تغییر در نظر گرفته بودند.

خلاصه یافته‌های مربوط به پرسش‌های بسته و باز در حوزه‌های عنوان، محتوا و آموزش رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی را می‌توان به صورت شکل زیر ارائه کرد:



نمودار ۱۳. علل ضرورت تغییر در حوزه‌های عنوان، محتوا و آموزش

همان گونه که در بخش تحلیل یافته ها اشاره شد، از دیدگاه کل جامعه مخاطب اولویت تغییر ابتدا با حوزه عنوان، سپس محتوا و در آخر حوزه آموزش می باشد. در خصوص عنوان رشته مواردی به عنوان مشکل ذکر شد، از جمله هر سه گروه جامعه مخاطب اذعان داشتند که عنوان فعلی گویای هویت واقعی رشته نیست و به عنوان عامل بازدارنده در ورود به رشته محسوب می شود و باعث محدود کردن زمینه کاری کتابداران و کم اثر کردن ماهیت واقعی رشته شده است و عنوان کنونی حالت پویایی به رشته نمی دهد و اثر منفی بر حرفه مندان این رشته گذاشته است. تحلیل محتوایی عنوان های پیشنهادی نیز نشان داد که عنوان کنونی رضایت بخش نبوده و جامعه کتابداری و اطلاع رسانی خواهان تغییر در آن هستند ولی باید اشاره کرد که تغییر نام باید منعکس کننده تغییر در ماهیت آن چیزی باشد که در گروه های کتابداری و اطلاع رسانی ارائه خواهد شد.

اولویت تغییر از دیدگاه جامعه مخاطب بعد از عنوان، حوزه محتوا بود. با توجه به شواهد، محتوای رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی نتوانسته رسالت خود را به صورت مناسب به انجام برساند. عمده‌ترین دلایل این ادعا را می‌توان به مسائلی همچون روزآمد ضعف در تولید محتوای مناسب، عدم پویایی و انعطاف‌پذیری در محتوای دروس، تربیت نشدن کتابداران متخصص و با مهارت کافی، عدم ارتباط محتوای کنونی با بازار کار، عدم مهارت‌افزایی مورد نیاز در دانشگاه برای دانش‌آموختگان جهت ورود به مشاغل در جامعه اطلاعات-محور، نداشتن سطح کیفی قابل قبول در مقایسه با محتوای دروس در کشورهای پیشرفته و کم‌بودن بازیابی دوره‌ای در دروس رشته اشاره کرد. محتوای دروس به عنوان ابزار اساسی انتقال دانش و مهارت‌ها، اهمیت اساسی در نظام آموزشی دارد. ارتباط آموزش عالی با جامعه و بالطبع تأثیرپذیری آموزش عالی از جامعه غیر قابل انکار است. این تغییر و تحولات باید در برنامه‌ریزی درسی و محتوای دروس نیز منعکس گردد. رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی شاید از جمله رشته‌هایی باشد که شدیداً از شرایط فنی، اقتصادی و فرهنگی محیط اجتماعی خود تأثیر می‌پذیرد یا منطقاً باید بپذیرد؛ و به همین اعتبار بازنگری کلی برنامه‌های این رشته ضروری به نظر می‌رسد. جامعه مخاطب به دلایل گوناگون نارضایتی خود را از محتوای کنونی اعلام داشته‌اند و محتوا نتوانسته به صورت موفق وظیفه خود در باب انتقال دانش مورد نیاز کتابداران به انجام برساند. بنابراین تغییر در محتوای کنونی و بازنگری مداوم ضروری می‌باشد.

سطح بعدی تغییر از دیدگاه جامعه مخاطب به حوزه آموزش اختصاص یافت. در حوزه آموزش نیز مسائلی همچون پژوهش-محور نبودن ساختار آموزشی رشته، تعامل اندک بین استاد و دانشجو، عدم استفاده از شیوه‌های نوین در تدریس، رعایت نشدن تعادل بین دروس نظری و عملی، یکسان نبودن امکانات گروه‌های آموزشی و ... اشاره شده است. همچنین می‌توان بیان کرد که رویکرد غالب در نظام آموزشی رشته در حال حاضر «رویکرد آموزشی» است و رویکردهای پژوهشی و رویکرد رشد دانشجویی (دانشجو از تجربه دانشگاهی خود چه آموخته) و رویکرد حرفه‌ای (آیا مهارت‌ها و آمادگی‌های لازم برای اشتغال موفق را دارد) مورد توجه نیست. بنابراین نیاز است رویکردی اتخاذ گردد که ترکیبی از رویکردهای (آموزشی، پژوهشی، رشد دانشجویی و رویکرد حرفه‌ای) باشد. در کل باید اشاره کرد که برای بهبود وضعیت موجود نظام آموزشی در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی به یک سلسله تغییرات اساسی بر اساس برنامه‌ریزی‌های طراحی شده در جهت برطرف کردن مواردی که در بالا اشاره شد، نیاز است.

پیشنهادهای

- با توجه به یافته‌های پژوهش موارد زیر پیشنهاد می‌شود:
۱. از آنجایی که همه اعضا با اولویت‌های مختلف بر لزوم تغییر در حوزه‌های مختلف عنوان، محتوا و آموزش تأکید کرده‌اند، پیشنهاد می‌شود زمینه‌سازی لازم برای انجام این تغییرات در سازمان‌های مرتبط از جمله کمیته گسترش و برنامه‌ریزی کتابداری مورد توجه قرار گیرد؛
 ۲. در خصوص نحوه تغییر، میزگردها و همایش‌هایی در سطح ملی و با حضور اکثریت ذینفعان رشته تشکیل شود تا بدین وسیله امکان دستیابی به یک راه‌حل مورد توافق فراهم آید؛
 ۳. انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی با انجام اقدامات مناسب از جمله تشکیل کمیته بازنگری به صورت فعال در تأمین نظر اکثریت اعضای جامعه حرفه‌ای در مرکز و استان‌ها مشارکت نماید؛
 ۴. پژوهش در زمینه ابعاد تغییر در رشته به صورت هدفمند تداوم یابد تا زمینه‌های لازم برای تصمیم‌گیری عالمانه فراهم شود.

منابع

- بهشتی، جمشید (۱۳۸۰). برنامه‌های درسی نظام اطلاع‌رسانی. ترجمه محمدحسین دیانی. کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۴(۱)، ۱۲۰-۱۳۱.
- بیگدلی، زاهد؛ آدام، زویا (۱۳۸۲). عوامل در انتخاب رشته تحصیلی و تغییر نگرش دانشجویان کتابداری و روانشناسی بالینی در دانشگاه شهید چمران اهواز. کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۶(۲)، ۴۷-۶۷.
- تهوری، زهرا (۱۳۸۵). لزوم بازنگری در برنامه‌های آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی با توجه به نیازهای مهارتی جدید کتابداران و اطلاع‌رسانان. فصلنامه کتاب، ۱۷(۱)، ۱۴۳-۱۶۲.
- جعفرنژاد، آتش (۱۳۷۸). بررسی امکانات موجود گروه‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه‌های ایران برای آموزش تکنولوژی اطلاعات به دانشجویان. پایان‌نامه دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران.
- جمالی، فیض‌اله (۱۳۸۵). کتابداری ایران: گذشته، حال و آینده. نما، ۶(۴)، ۵-۱.
- حسن‌زاده، محمد (۱۳۸۳). نقش کتابداران و اطلاع‌رسانان در مدیریت دانش سازمان‌ها (با نگاهی به سرفصل‌های مقاطع سه گانه علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران). فصلنامه کتاب، ۱۵(۵۹)، ۱۱۴-۱۰۱.
- حسن‌زاده، محمد (۱۳۸۷). تغییر عنوان رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی به بهبود بازار کار کمک می‌کند. خبرگزاری کتاب ایران. بازیابی شده در ۲۳ بهمن ۱۳۸۷ از: <http://ibna.ir/vdcgtz9x.ak9ut4prra.html>
- دیانی، محمدحسین (۱۳۷۹). برنامه آموزش دوره کارشناسی کتابداری و اطلاع‌رسانی: پیشنهادهایی برای تحول. کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۳(۱)، ۲۱-۱.

- دیانی، محمدحسین (۱۳۸۱). نظریه‌ها و عملکرد تحصیلی دانشجویان رشته‌های ریاضی/تجربی و انسانی/اجتماعی در دوره کارشناسی کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه فردوسی. کتابداری و اطلاع‌رسانی ۵ (۳)، ۲۱-۴۷.
- دیانی، محمدحسین (۱۳۸۵). برنامه جدید کارشناسی ارشد علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی. گزارش یک طرح پژوهشی. کتابداری و اطلاع‌رسانی ۹ (۴)، ۲۱-۴۵.
- فتاحی، رحمت‌اله (۱۳۷۹). "الگوی برای بازنگری و تجدید ساختار آموزشهای کتابداری و اطلاع‌رسانی در ایران". کتابداری و اطلاع‌رسانی ۳ (۱)، ۲۱-۴۵.
- فتاحی، رحمت‌اله (۱۳۸۷). نیازهای جامعه، بازارکار و آینده آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی در ایران. خبرنامه انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران، ۶ (۳۱)، ۳-۵.
- فدائی، غلامرضا (۱۳۸۶).
- کاری‌سی‌دایا، سی.آر (۲۰۰۴). برنامه درسی کتابداری و اطلاع‌رسانی برای کشورهای در حال توسعه. ترجمه حیدر مختاری. گزیده مقالات ایفلا ۲۰۰۴ آرژانتین ۲۲-۲۷ اوت ۲۰۰۴، زیر نظر فریبرز خسروی، ویراستار سیمین نیازی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- مختاری، حیدر (۱۳۸۴). برنامه درسی رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی در مقطع کارشناسی ارشد. فصلنامه کتاب ۱۶ (۲)، ۲۵-۳۲.
- وزیری، مزده (۱۳۷۸). نظام برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی ایران: ویژگی‌ها و جهت‌گیری‌ها. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

References

- Chu, J. (2001). The Renaming of Library Schools in China and the Effects. New library World. 102 (7/8), 274 – 277.
- Gathegi N, J. (2007). Creating a needs-responsive LIS curriculum in a developing country: A case study from Kenya. The International Information & Library Review. 39 (2), 134-144.
- Hazeri, A.; Martin, Bill; Sarrafzadeh, Maryam (2009). Integration of Knowledge Management with the Library and Information Science Curriculum: Some Professional Perspectives. Journal of Education for Library and Information Science. 50(3), 152-163.
- Xiaying, D. (1996). Transition of Library and Information Science Education in China: Problems and Perspectives. 62th IFLA General Conference, August, 25-31.

به این مقاله این‌گونه استناد کنید:

حسن‌زاده، محمد؛ غیوری، زینب (۱۳۸۹). دیدگاه جامعه کتابداری و اطلاع‌رسانی در خصوص تغییر در محتوا، آموزش و عنوان رشته. تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی، ۱۶ (۳)، ۵۹-۸۵.